وکیل شرق

مصونیت و مسئولیت دولت

سعید دهقان

محمدرضا- ش از تبریز: با توجه به اینکه دیگر آزمون استخدام ادواری برگزار نمی‌شود، خود به خود برگه قبولی ما هم اعتباری ندارد. حالا می‌خواستم بدانم تکلیف امثال ما که کلی پشت سد استخدام ماندیم و حالا یک برگه بی‌خاصیت دستمان است، چیست؟ حق خودمان را باید از کی بگیریم؟ وکیل شرق: وضع قانون آزمون استخدام ادواری و سپس حذف آن موجب شده است که شهروندان زیادی همانند شما با این مشکل روبه‌رو شوند. برای پاسخ به سئوال شما، ابتدا ناچارم از زاویه صرف قانون به این مسئله بپردازم. به استناد ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی «... در مورد اعمال حاکمیت دولت، هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تامین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.» توضیح اینکه، در «اعمال حاکمیت» دولت در مقام استفاده از حق حاکمیت و اقتدار ملی است و علی الاصول فقط باید نفع عموم را در نظر داشته باشد (مثل امنیت، روابط خارجی و ...) اما در «اعمال تصدی» دولت کارهایی انجام می‌دهد که مردم عادی هم در روابط خصوصی‌شان انجام می‌دهند (مثل تجارت، بانکداری، حمل و نقل و ...) البته با توجه به مصونیت قانونی دولت در اعمال حاکمیت (ماده قانونی بالا) باید اعمال حاکمیت از اعمال تصدی را به درستی جدا کنیم؛ وگرنه دولت‌ها سعی خواهند کرد از ابهام موجود به این نحو استفاده کنند که هر اقدامی را در قالب «اعمال حاکمیت» ببینند! اغلب حقوقدانان، قانونگذاری را نیز جزء حق اعمال حاکمیت دولت می‌دانند که از این حیث، به‌نظر می‌رسد مشکل شما قابل حل نباشد؛ لیکن بنده تصور می‌کنم این حق دولت را نمی‌توان مطلق دانست؛ به خصوص وقتی یک قانون مدام عوض شده و زیان می‌رساند، دیگر نمی‌توان خسارات وارده را جبران نکرده باقی گذاشت (به استناد قاعده فقهی لاضرر). بنابراین، تصور می‌کنم حتی اگر بتوانیم سرنوشت عده‌ای را که با برگه قبولی این آزمون در انتظار استخدام بودند و یا عده‌ای دیگر را که با وجود احراز کلیه شرایط، به دلیل نداشتن این برگه استخدام نشده بودند نادیده بگیریم (که نمی‌توانیم)؛ همین که دوستانی مثل شما برای شرکت در این آزمون، مجبور به پرداخت وجهی - ولو ناچیز - به دولت شده‌اند، ظاهراً می‌توان موضوع را از موارد اعمال تصدی دولت تلقی و قابل تعقیب در دیوان عدالت اداری دانست. به‌خصوص وقتی که بدانیم، هدف مسئولیت مدنی سال‌ها است که تغییر کرده و از «مکافات دادن صرفِ شخص مقصر»، به «جبران خسارت از یک بی‌گناه» تبدیل شده است (صرف‌نظر از اینکه خسارت چگونه وارد شد!) زیرا مفهوم خسارت مدت مدیدی است که متحول شده و احراز وقوع خسارت، دیگر مستلزم تحقیق و بررسی‌های خاصی برای اثبات ورود زیان نیست، کافی است که به یکی از حقوق اساسی یا بنیادین یک شهروند لطمه وارد آمده باشد. از این‌رو، دولت که مسئول صیانت و حمایت از حقوق اساسی و بنیادین شهروندان است، در این گونه موارد می‌تواند طرف پرسش واقع شود.

vakilroaya@gmail.com

تحقیقات جنایی و مسئولیت قوه قضائیه

محمد مصطفایی*

شاید بسیاری از تهرانی‌ها که در این شهر چندین میلیون نفری روزگار می‌گذرانند از شنیدن این مطلب تعجب کنند که کلیه تحقیقات مقدماتی از کشف جرم و تعقیب متهم گرفته تا صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست درخصوص قتل عمدی و برخی جنایات مهم دیگر در این شهر پرهیاهو، فقط و فقط توسط سه نفر بازپرس دادسرای امور جنایی یعنی آقایان اصغرزاده، حسینی و هنرمند و یکی از دوایر اداره آگاهی تهران- که تعداد افسران باتجربه و آموزش‌دیده آن به زحمت از تعداد انگشتان دست فراتر می‌رود- به انجام می‌رسد. از این گذشته حتماً تعجب آنها بیشتر خواهد شد اگر بدانند که برخی از این بازپرسان زحمت‌کش حتی از همکاری پرسنل اداری به تعداد کافی نیز محروم هستند. این تعداد اندک باید با همکاری یکدیگر گره‌کور بسیاری از معماهای جنایی پایتخت کشور را بدون برخورداری از امکانات کافی باز کنند و پرده از رازهای پنهان جرایم پیچیده بردارند. اما تعجبی ندارد که با وجود زحمات بی‌وقفه و کوشش‌های بی‌دریغ این مقامات انتظامی و قضایی، تحقیقات مقدماتی در پرونده‌های پراهمیت جنایی هرگز نمی‌توانند با سرعت و دقت کافی مورد رسیدگی قرار گیرند. هر یک از سه نفر بازپرس محترمی که مسئول انجام تحقیقات در این گونه پرونده‌های مهم است، روزانه و حتی در زمان واحد ناچار می‌شوند در مورد چند پرونده پیچیده بررسی کنند و تصمیم بگیرند، دستورهای مقتضی را برای انجام تحقیقات صادر کنند و بر انجام تحقیقات موردنظر نظارت داشته باشند، ضمن اینکه وظیفه دارند دقت و مراقبت کنند که متهمان بازداشتی یا آنهایی که به علت عجز از تودیع وثیقه یا معرفی کفیل در زندان به سر می‌برند بدون رعایت ترتیبات و تشریفات قانونی یا در موارد غیرضروری بی‌جهت در زندان نمانند. انجام این همه وظیفه سنگین را از یک انسان متعارف چگونه می‌توان انتظار داشت؟ قاضی دادگستری یا بازپرس باید با فراغ بال و آرامش کافی در مورد هر قضیه‌ای بیندیشد و تصمیم بگیرد. شاید مردم عادی تصور کنند که همه این مشکلات ناشی از کمبود کادر قضایی یا کم بودن تعداد بازپرس‌ها و دادیارها است، ولی حقیقت آن است که تعداد پرونده‌های کیفری تشکیل شده در دادسراهای تهران به طرز سرسام‌آوری رو به افزایش است و با وجود به کارگیری تعداد زیادی از بازپرسان و دادیاران، دادسرا به طور طبیعی نمی‌تواند پاسخگوی این پرونده‌ها و شکایت‌ها باشد. البته این تعداد زیاد و قابل توجه بازپرس و دادیار فقط به پرونده‌های متوسط و کم‌اهمیت رسیدگی می‌کنند و همان‌طور که گفته شد وقتی نوبت به وظایف اصلی دادسرا و مهم‌ترین و پیچیده‌ترین پرونده‌ها مثل قتل عمدی می‌رسد، تعداد بازپرسان و امکانات فراهم شده برای آنان آن قدر کم است که همه تعجب می‌کنند. غرض اینکه مشکلات دادسراهای کنونی تهران به پرونده‌های جنایی و مهم محدود نمی‌شود، بلکه در پرونده‌های مهم و حساس، این مشکلات ساختاری خود را به شکل بارزتر و ناگوارتری نشان می‌دهند. نمی‌خواهیم کسی را سرزنش کنیم یا به دنبال مقصر بگردیم. شلوغی بیش از اندازه دادسراها یا کمبود امکانات و وسایل اعم از مادی و انسانی برای انجام تحقیقات کیفری در مراجع انتظامی و قضایی قابل انکار نیست. تلاش ما صرفاً مصروف این خواهد شد که به مسئولان محترم قوه قضائیه چند پیشنهاد مفید و موثر ارائه دهیم تا شاید با بررسی‌های کارشناسی دقیق بتوان به اجرای واقعی‌تر و سریع‌تر عدالت کیفری امیدوار بود. پیش از هر چیز باید اعتراف کرد که سنگینی بار دستگاه قضایی موجب می‌شود این سازمان نتواند به همه وظایف خود بپردازد. وقت فراوان و نیروی بی‌اندازه‌ای که صرف رسیدگی به پرونده‌های کوچک و کم‌اهمیت می‌شود، بهتر است برای پرونده‌های مهم و پیچیده که در حفظ حقوق مردم و تامین نظم عمومی نقش بیشتری دارند، صرف شود. برای نمونه اگر با تدابیری بتوانیم تعداد شکایت‌های واصله به دادسراها را کاهش دهیم می‌توانیم کادر اداری و قضایی بیشتری را پس از آموزش‌های لازم به پرونده‌های جنایی و مهمتر اختصاص دهیم. حتی با تغییر مقررات آیین دادرسی کیفری این امکان را فراهم سازیم که در صورت لزوم با توجه به ظرافت و سنگینی کار، گروه‌های چند نفره‌ای از بازپرسان مشترکاً به برخی پرونده‌ها رسیدگی کنند. به‌ویژه در جامعه فعلی که با رشد جرائم سازمان‌یافته و فعالیت مجرمان حرفه‌ای مواجه است و مجرمان هر روز ترفندهای تازه‌تری را برای ارتکاب جرم و پنهان کردن ادله و آثار جرم به‌کار می‌برند، دادسرای ما هم که وسیله امنیت ما است باید ناگزیر خود را با شرایط و مقتضیات زمان تطبیق دهد. اما این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان از تعداد شکایات واصله به دادسرا کم کرد؟ پاسخ این پرسش چندان آسان نیست، ولی به‌طور مجمل می‌توان گفت اگر مردم یاد بگیرند که قبل از هرگونه اقدام قضایی با افراد متخصص مشاوره کنند و اگر قوانین کیفری ما طوری اصلاح شود که هر شاکی غیرمحقی به خود جرات شکایت خلاف واقع ندهد؛ از همه اینها مهمتر اگر شیوه‌های مناسب‌تری برای حل و فصل برخی مسائل و مشکلات اجتماعی بیابیم و تنها به‌عنوان آخرین راه‌حل به حربه شکایت کیفری متوسل شویم، همچنین به دادستان اختیار استفاده از راهکارهای مناسب به جای تعقیب کیفری در موارد کم‌اهمیت و پیش پا افتاده داده شود از سنگینی بار فعالیت دستگاه قضایی کاسته خواهد شد و در آن صورت مطمئناً با دستگاه قضایی کاراتر و کارآمدتری مواجه خواهیم بود و در سایه فعالیت آن بیشتر احساس امنیت خواهیم کرد.

*وکیل پایه یک دادگستری

توقیف مطبوعات و بلاتکلیفی شرکت های تجاری

سیدلویی عادلی*

بسیاری از شرکت هایی که سال مالی آنها پایان اسفندماه است حداکثر تا پایان تیرماه سال بعد مهلت دارند نسبت به دعوت مجمع عمومی سالیانه جهت تصویب تراز مالی اقدام کنند. طبق قانون دعوت مجمع مزبور می‌بایست از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری- که قبلاً توسط مجمع عمومی موسس یا مجمع عمومی سالیانه پیشین معین شده و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن منتشر می‌شود- انجام شود. توقیف یا تعطیلی روزنامه‌ای که شرکت‌ها آنها را برای نشر آگهی‌های خویش تعیین کرده‌اند عملاً امکان دعوت سهامداران و به تبع آن تشکیل مجمع و تصویب تراز سالیانه را- اگر نگوییم غیرممکن لااقل- با اشکال مواجه می‌سازد. هدف نوشتار حاضر تبیین موضوع و راهکاری حقوقی جهت رفع این مشکل است. در شرکت‌های سهامی اتخاذ تصمیم در بسیاری از موضوعات از قبیل تصویب تراز سال مالی، تعیین اعضای هیات مدیره، تعیین بازرسین قانونی، افزایش و کاهش سرمایه‌داری و مواردی دیگر در صلاحیت خاص مجامع عمومی اعم از عادی و فوقانون العاده است. (مواد ۸۳، ۸۶، ۸۹ و ۱۰۸ قانون تجارت) طبق ماده ۹۷ قانون تجارت می‌بایست برای تشکیل هر مجمع عمومی مراتب از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که مجمع عمومی موسس یا سالیانه آن را تعیین کرده‌اند (ماده ۷۴ و ۹۷ قانون تجارت) به اطلاع صاحبان سهام برسد والا تشکیل مجمع بدین نحو و به تبع مصوبات آن فاقد اثر قانونی است. مگر آنکه کلیه صاحبان سهام در مجمع عمومی حضور داشته باشند. در این صورت، چه مجمع مزبور به موجب نشر آگهی در روزنامه تعیینی شرکت تشکیل شده باشد و چه بدون نشر آگهی، تشکیل مجمع و مصوبات آن صحیح و قانونی است. توقیف یا تعطیلی مطبوعاتی که شرکت‌های سهامی در اجرای مواد ۷۴ و ۹۷ قانون تجارت، آن مطبوعات را به عنوان روزنامه کثیرالانتشار خویش جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین نموده‌اند، برای شرکت هایی که تعداد سهامداران آن بی‌شمار هستند یا شرکت‌هایی که سهامداران آن به سبب اختلافات درونی حاضر به همکاری با یکدیگر و حضور در جلسه مجمع عمومی نیستند مشکلات عدیده‌ای را برای شرکت و صاحبان سهام ایجاد می‌کند. در حالی که اگر امکان نشر و درج آگهی دعوت مجمع به جهت توقیف یا تعطیلی نشریه از بین نمی‌رفت عدم حضور بعضی سهامداران در جلسه مجمع عمومی مانع از رسمیت یافتن جلسات و تصمیمات متخذه آن که دارای نصاب‌های قانونی است، نمی‌شد. (مواد ۸۵ و ۸۷ قانون تجارت) به هر حال ضرورت تشکیل مجمع ایجاب می‌کند با بررسی وسایل و ابزارهای حقوقی و قانونی راهکار ارائه شود تا عدم حضور بعضی سهامداران مخالف یا غیرمتعهد در مجمع به بهانه عدم نشر آگهی موضوع ماده ۹۷ قانون تجارت، خللی به حقوق و تصمیمات صاحبان سهام وارد نکند. بدین جهت می‌بایست پیش از هر چیز روشن شود که آیا دعوت صاحبان سهام از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار جهت حضور در مجمع عمومی موضوعیت دارد یا طریقیت؟ درباره لزوم نشر آگهی دعوت سهامداران، آنچه مطابق غرض و هدف مقنن به نظر می‌رسد اطلاع صاحبان سهام از زمان، مکان و دستور جلسه مجمع است. تبصره ماده ۹۷ قانون تجارت می‌تواند موید این استنباط و دلیلی بر طریقیت نشر آگهی باشد چه آنکه به موجب آن قانونگذار، صرف تشکیل و حضور کلیه صاحبان سهام در جلسه مجمع را ولو بدون نشر آگهی دعوت، صحیح و نافذ دانسته است. علاوه بر آنکه از وحدت ملاک برخی آرای صادره از محاکم می‌توان به این گرایش قوت بخشید. پذیرش استدلال فوق، آثار متعدد و متفاوتی را در پی خواهد داشت. از جمله آنکه اولاً دیگر نمی‌توان راساً حکم بطلان مصوبه مجمعی را که از طریق دیگر نسبت به دعوت صاحبان سهام اقدام شده و تشکیل شده است به علت عدم رعایت تشریفات دعوت صادر کرد. ثانیاً با اثبات علم و اطلاع سهامدار غایب از تشکیل مجمع، می‌توان تنفیذ و تایید این نوع مصوبات را از محاکم خواستار شد و از آن برای ثبت صورت‌جلسه مجمع در اداره ثبت شرکت‌ها بهره جست. ثالثاً طرق دیگری نیز برای دعوت سهامداران از قبیل ارسال نامه یا اعلام از رسانه‌های عمومی همچنین رادیو و تلویزیون قابل پیش‌بینی خواهد بود. مع‌الوصف آمره بودن حکم ماده ۹۷ قانون تجارت دایر بر لزوم نشر آگهی جهت دعوت صاحبان سهام، ایجاب می‌کند تا در پذیرش یا اعمال نظریه طریقیت با احتیاط و تامل عمل و منحصراً در موارد خاص و استثنایی مانند توقیف و تعطیلی نشریه و از باب استصلاح به آن تمسک شود. براین اساس راهکارهای زیر حسب مورد جهت رفع خلاءقانونی و همچنین دعوت مجامع شرکت هایی که روزنامه تعیینی آنها توقیف یا تعطیل شده است ارائه می‌شود: ۱- اصلاح قانون با این عبارت: «تا تعیین تکلیف نشریه توقیفی یا اتخاذ تصمیم مجمع دایر بر تعیین روزنامه‌ای دیگر، روزنامه رسمی به عنوان روزنامه کثیرالانتشار شرکت محسوب می‌شود.» ۲- دادگاه در دادنامه‌ای که حکم توقیف یا تعطیلی نشریه را صادر می‌کند روزنامه‌ای را (ترجیحاً روزنامه رسمی) جایگزین کند. بدیهی است این امر به منزله لزوم تبعیت شرکت‌ها در انتخاب روزنامه اعلامی دادگاه به عنوان روزنامه کثیرالانتشار شرکت نخواهد بود. علاوه بر این که از نظر حقوقی و آئین دادرسی مدنی نیز امکان، ارزش و اثر اقدام دادگاه در تعیین روزنامه جایگزین، محل بحث و تامل است. ۳- با پذیرش نسبی نظریه طریقیت، می‌توان با ارسال دعوت‌نامه (نامه اداری)، یا اظهارنامه صاحبان سهام را از زمان، مکان و دستور جلسه مجمع مطلع و مجمع را برگزار کرد. هر چند این راه حل در شرکت‌هایی که دارای سهامداران زیادی هستند یا نشانی دقیق و کاملی از سهامداران آن در دسترس نیست به علت عدم امکان ابلاغ واقعی دعوت‌نامه، راه‌گشا نخواهد بود. لکن در شرکت‌های دارای سهامدار اندک ارسال اظهارنامه برای سهامداری که ممکن است به‌رغم اطلاع از جلسه مجمع در آن حضور نیابد، می‌تواند موثر باشد ۴- علاوه بر موارد فوق پیشنهاد می‌شود مجمع عمومی موسس یا سالیانه در هنگام انتخاب روزنامه کثیرالانتشار روزنامه دیگری را نیز انتخاب و اعلام کند. در صورت توقیف روزنامه اصلی شرکت، آگهی‌های شرکت در روزنامه ثانوی منتشر خواهد شد.

*وکیل پایه یک دادگستری

خبرها

تعیین دادگاه رسیدگی به پرونده چک

براساس رای وحدت رویه صادره از سوی هیات عمومی دیوان عالی کشور، دارنده چک می‌تواند تخییراً به دادگاه محل وقوع عقد یا قرارداد یعنی محل صدور چک، یا به دادگاه محل انجام تعهد برای اقامه دعوی به دادگاه محل اقامت خوانده مراجعه کند. با وصف مراتب رجوع دارنده چک به هر یک از دادگاه‌های یاد شده برای آن دادگاه در رسیدگی به دعوا ایجاد صلاحیت خواهد شد. اکثریت اعضای هیات عمومی وحدت رویه دیوان عالی کشور این تصمیم را با تایید رای شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور که متضمن این معنی است اتخاذ کردند. این رای با استناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه لازم‌الاتباع است.

آموزش هزار نفر پلیس‌قضایی

ایسنا: محمود سالارکیا معاون دادستان گفت: با توجه به نیاز دستگاه قضایی به ضابطان آموزش‌دیده و آشنا به مسائل قضایی، از اول مردادماه حدود ۹۰۰ تا هزار نفر از ضابطان قضایی در قالب دوره‌های آموزشی به‌منظور انجام قسمتی از وظایف پلیس قضایی و در راستای اجرای دستورات قضایی آموزش می‌بینند. وی افزود: این افراد پس از پایان دوره ۴۰روزه به عنوان ضابط خاص قضایی مجوز و به‌طور ثابت در اختیار دستگاه قضایی قرار می‌گیرند. معاون دادستان تهران با اشاره به استقرار این ضابطان آموزش‌دیده در کلانتری‌های سطح شهر تهران خاطرنشان کرد که این موضوع به‌طور آزمایشی در شهر تهران اجرا می‌شود و بعد از اجرای موفقیت‌آمیز آن در سایر شهرها و استان‌ها نیز قابل اجرا خواهد بود. وی همچنین از نشست مشترک دادستانی تهران و شرکت‌های بیمه در راستای اجرای طرح بیمه شدن راکبان موتورسیکلت خبر داد.

پایان مهلت یک‌ساله‌قانون هیات‌منصفه در ۹ مرداد

ایسنا: رئیس دادگاه‌های کیفری استان تهران اظهار داشت: مهلت یک‌ساله قانون هیات‌منصفه دادگاه مطبوعات نهم مردادماه به پایان می‌رسد و با توجه به نبود قانون، دادگاه مطبوعات تعطیل می‌شود تا قانون جدید به ما ابلاغ شود. ناصر سراج درباره اتمام مهلت اجرای قانون هیات‌منصفه دادگاه مطبوعات اعلام کرد: اگر مجلس شورای اسلامی لایحه تمدید اجرای قانون هیات‌منصفه را تصویب نکند و اعضای هیات‌منصفه در دادگاه حضور نداشته باشند، دادگاه رسمیت نخواهد داشت و تشکیل نمی‌شود. وی با تاکید بر این که هیات‌منصفه یک رکن دادگاه مطبوعات است، گفت: قاعدتاً تا زمانی که هیات‌منصفه تشکیل نشود دادگاهی برگزار نخواهد شد تا مجدداً به ما قانونی اعلام شود. به محض این‌که یک سال از مدت تعیین شده برای متوقف ماندن قانون مجلس ششم و اجرای قانون تصویب شده در مجلس پنجم به پایان برسد، قانون مجلس ششم حاکمیت پیدا می‌کند، اما اجرایی نشدن آن مشمول بحث دیگری است. رئیس دادگاه‌های کیفری استان تهران افزود: در برگزاری دادگاه‌های مطبوعاتی مجری، قانون بوده و در صورت ارائه قانون موظف به اجرای آن هستیم.